

۲۶ فوریه ۲۰۲۶ - ۷ اسفند ۱۴۰۴

هراس از راست ارتجاعی!

واقعیت چیست؟

مظفر محمدی

هراس از راست ارتجاعی که امروزه در صحنه سیاست ایران، جریان منفور شاه پرستی، فرقه ی رجوی و قوم پرستان فدرالیست آنرا نمایندگی می کنند، نه بعنوان یک گرایش و یک مخاطره بلکه بعنوان نیروی پیروز در مقابل چپ و کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی تعریف می شود. عملکرد راست ارتجاعی و شعارهایش که با هیاهوی میدیای مزدور جعل و دستکاری و برجسته و به اعتراضات اجتماعی تزریق می شود، بمثابة به حاشیه رفتن چپ و جامعه ای که آزادی و رفاه و امنیت میخواهد تلقی میگردد. این برداشت غلط نه نشانه ی یک واقعیت مسلم بلکه تاثیر هراس از راست و گرد و خاک ارتجاع است!

واقعیت این است که بر خلاف هیاهوی این روزها در داخل و خارج کشور، راست ارتجاعی "شاه پرستی"، چه در قامت رهبر خود خوانده به نام رضا پهلوی و چه در شعارهای حقنه شده به جامعه توسط حجم عظیم و گسترده ی میدیای مزدور، انتخاب و مطلوب جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی نیست.

پهلویست ها هیچ جنبش اجتماعی را نمایندگی نمی کنند. حتی به این جریان منحط نمیتوان ناسیونالیست گفت. عملکرد فاشیستی پهلویست ها، هم در سیاست و برنامه "دفترچه ی دوره گذار" و هم تهدید به مرگ مخالفان خود، این جریان را یک باند تبهکار به جامعه معرفی میکند. رضا پهلوی ابزار پروژه سناریو سیاهی نتانیا هو است. زمانی که گرد و خاک جنگ و تهدید نظامی امریکا و اسرائیل فرو بنشیند زیر پای این باند خالی می شود، حبایش میترکد و پروپاگاندا بنگاه های تبلیغاتی می خشکد. با این وجود، ما به مخاطرات راست ارتجاعی پهلوی- رجوی و خطر جنگ و سناریوی سیاه با دخالت های نتانیا هو و ترامپ واقفیم. این مخاطره، لکه ابر سیاهی بر آسمان جامعه ای است که به دفاع از آزادی و امنیت و رفاه برخاسته است.

جامعه ایران نه از سر تئوری بلکه در زندگی جهنمی چهل و چند ساله، خواهان براندازی کل نظام سیاسی، اقتصادی،



حزب حکمتیست (خط رسمی)

روز جهانی زن، هشت مارس ۲۰۲۶

برای جهانی آزاد و برابر

صفحه ۴

International Women's Day

زنده باد ۸ مارس



8
March

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

حزب حکمتیست (خط رسمی)

کردستان از فاشیسم اسلامی تا فاشیسم نئوپهلویسم

صفحه ۶

حزب حکمتیست (خط رسمی)

در دفاع از سنگر آزادی

علیه تعرض ارتجاع به دانشگاه

صفحه ۵

هشت مارس امسال، به نام زنانی که از خاک، آتش ساختند

شهرلای رضایی

صفحه ۳

سایت های آثار رفیق اعظم کم گویان آغاز به کار کرد.

صفحه ۵

برنامه های تشکیلات خارج کشور حزب به مناسبت روز جهانی

زن در شهرهای گوتنبورگ و تورنتو

صفحه ۷

آزادی
برابری
حکومت کارگری



فرهنگی و نظامی جمهوری اسلامی است. جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران با آنچه که نیروهای سناریوی سیاه و یا اصلاح طلبان خواهانش هستند، مسیر واحد مطلوب آنها را طی نمی کند.

کسانی که در مقابل هیاهو، پروپاگاندا و جعل اخبار و فشار عظیم پنگاه های تبلیغاتی گسترده و لشکرکشی ترامپ به خاورمیانه و ناوها و جت های جنگی شان، دچار هراس شده اند، این واقعیت را انکار یا فراموش کرده و مثل چماقی بر سر چپ جامعه عمل می کنند. میگویند چپ ایدئولوژیک است، سیاست و شعارهایش فرا اجتماعی است، زمینی نیست، یاد بگیرید، همه حرفهایتان را حالا نزند و غیره... این دسته از ما میخواهند، اهداف انقلابی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود را تعدیل کنیم. صحبت از مارکس و انقلاب کارگری و جامعه ی بدون تبعیض طبقاتی را زیر فرش کنیم و اساسا طبقاتی دیدن جامعه را فراموش کنیم. چرا که فکر میکنند کمونیسم و سوسیالیسم آرزوهای دست نیافتنی اند. انگار کمونیسم و سوسیالیسم بسته ای مخفی شده در جیب کسی است. سوسیالیسم و برابری طلبی نه ایدئولوژی و آرمان های دست نیافتنی، بلکه جوهر و محتوای مبارزه و اعتراضات همه این دهه های اخیر از دانشگاه ها تا درون صفوف طبقه کارگر و زحمتکشان گرسنه را تشکیل میدهد. نباید دروغ و تقلب و گروه های خریداری شده در اعتراضات برای سر دادن شعار "جاوید شاه" و حقنه کردن پرچم شیر و خورشید را به حساب جامعه ی بپاخاسته نوشت. نباید مرعوب ادعای بیشرمانه و تقلبی رضا پهلوی و حواریون شاه الهی اش شد و ادعای آن ها را که میگویند مگر نمی بینید فقط پهلوی را صدا میزنند، جدی گرفت!

کمونیسم و سوسیالیسم چیزی جز بازگشت اراده به انسان برای تعیین سرنوشت خود نیست. یعنی تسخیر این زندگی و سرنوشت جامعه به ماوراء الطبیعه ی اسلامیون نوع جمهوری اسلامی و سلطنت یعنی خلع ید اقلیت صاحب ملک و سرمایه که بر جان و سفره و روان و زندگی اکثریت نود درصدی جامعه و یعنی انحلال نیروهای نظامی حرفه ای ابزار دست صاحبان قدرت و ثروت و جایگزینی آن با تسلیح عمومی...

کسانی که پرچم "کوتاه بیا بیا"، "زمینی باشید"، "رویا پردازی نکنید" و "همرنگ جماعت شوید" را بلند کرده و چپ و کارگر و کمونیسم را به همرنگ جماعت شدن دعوت می کنند، مرعوب هیاهوی رضا پهلوی و میدبای مزدور امثال اینترنشنال منقلب و دروغگو و تهدیدات نتانیاهو و ترامپ شده اند. و این یک اشتباه بزرگ است. از گروه های خریداری شده در تظاهرات مردم بگزیم، اگر بخشی از معترضین شعار ارتجاعی شاه طلبان را تکرار کنند، نباید از گفتن حقیقتی که، "دارند اشتباه می کنند" پرهیز کرد. نباید گذاشت ولو بخش کوچکی از جامعه منافع انسانی، اجتماعی و طبقاتی خود را قربانی پرچم ارتجاعی امثال پهلوی و رجوی کنند. به قول یک معترض خیابان، شعار جاوید شاه، "نه از حب علی، از بغض عمر است!" اما هر چه هست علیه خود حرف زدن و شعار دادن است! انسانیت را نباید قربانی بت های پرچم و میهن و خرافات نظام طبقاتی سرمایه داران کرد. نباید اجازه داد قاتل و قربانی و استثمارگر و استثمار شده را در یک بسته بندی جعلی به نام ملت و ملی و پرچم و ایران... به مردم بفروند.

ما وجود طبقات و به تبع آن وجود گرایشات گوناگون جامعه را برسمیت میثناسیم، اما مرعوب نمیشویم. ما در همه ی این دهه های مبارزه علیه جمهوری اسلامی گفته ایم که دو نیروی اصلی جامعه در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارند. یکی چپ "طبقه کارگر و آزادیخواهان و برابری طلبان زن و مرد و جوان" و دیگری راست "ناسیونالیسم پروغرب ایران" است. بقیه حواشی این دو نیروی اصلی اند. در همان حال مخاطره ی نیروهای سناریوی سیاه مزدور و آویزان به دخالت و تهدید و حمله نظامی دولتهای قلندر اسرائیل و امریکا امثال باند های پهلوی و رجوی و قوم پرستان فدرالیست را دستکم نمیگیریم.

دو نیروی اصلی ناسیونالیسم ایرانی و چپ و کارگر در رقابت و در مقابل هم قرار دارند. زمانی یکی از دو نیروی چپ و راست دست بالا پیدا میکند. این یک واقعیت غیر قابل انکار است که اعتصابات کارگری مستمر چند دهه، خیزش دانشجویی ۷۸، دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب، خیزش های گرسنگان در ۹۶ و ۹۸ علیه فقر و گرسنگی و تبعیض و ستم و نابرابری، جنبش آزادی زن در خیزش "زن، زندگی، آزادی"، جنبش ها و خیزش هایی به رهبری فعالین کارگری و مردمی و روشنفکری سوسیالیست، آزادیخواه و برابری طلب بوده است نه تحت رهبری راست ارتجاعی! چپ در این دوره ها

به معنای عام در این جنبش که جنبش سرنگونی است دست بالا را داشته است.

در مقابل، در جنبش سبز "رای من کو" در انتخابات و دفاع از میرحسین موسوی و در منحرف کردن اعتراضات توده های محروم در نیمه راه در دی ماه ۱۴۰۴ راست ارتجاعی در راس آن سلطنت طلبان، دست بالا داشتند...

ما در مقابل این هجوم ناشرافتمندانه و ضد انقلابی ارتجاع پهلوی و دخالت های خارجی با تهدیدات نظامی و تحریم ها از جانب امریکا و متحدینش و تلاش نتانیاهوی نسل کش برای تبدیل کردن ایران به غزه ای دیگر، نه مرعوب شدیم و نه آن را پایان کار تلقی می کنیم. این جنگ و جدال سیاسی و طبقاتی و اجتماعی ادامه دارد. تعیین تکلیف نهایی سرنگونی جمهوری اسلامی و جنگ سیاسی ما با نیروهای ارتجاعی ادامه دارد.

اگر اپوزیسیون راست ارتجاعی تغییراتی از بالا و بزرگ کردن نظام سیاسی، طبقاتی و نظامی جمهوری اسلامی و جایگزینی "شاه" بجای "ولایت فقیه" با حفظ ساختار بویژه نظامی و امنیتی نظام کنونی را میخواهد. ما و جنبش سرنگونی و نیروهای اصلی این جنبش و طبقه کارگر در راس آن، یک انقلاب توده ای از پایین و جارو کردن کل نظام جمهوری اسلامی و مالکیت طبقات دارا بر ثروت جامعه، بوروکراسی و نیروهای نظامی و امنیتی آن را میخواهیم.

دلواپسان و منتقدین جنبش چپ و کارگر و کمونیسم، بجای هراس از پیشروی های راست ارتجاعی در این و آن مقطع تاریخی، نیروی خود را بر تقویت جنبش سرنگونی و نفی و تقبیح تزریق سم ارتجاعی در این جنبش و برافراشتن پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی و سوسیالیسم و طبقه کارگر و آلترناتیو حاکمیت شوراهای کارگران و مردم، متمرکز کنند. "زنده باد آزادی، برابری، حاکمیت شورایی" شعار جنبش ما است.

چه در گذشته و چه امروز، جنبش ما نه در حاشیه بلکه در متن جامعه قرار دارد. جنبش سیاسی و نظامی در کردستان بدون کمونیسم و کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی و برابری زن و مرد هیچوقت نمی توانست کردستان را به یک نقطه قدرت انسانی، اجتماعی و سیاسی در ایران تبدیل کند. دانشجویانی که پرچم "دانشگاه پادگان نیست"، "زنده باد آزادی، برابری" را برافراشتند، کارگرانی که در هفت تپه پرچم جنبش شورایی را بلند کردند، دختران جوانی که حجاب اجباری را در آتش سوزاندند... و صدها و هزاران اعتراض و اعتصاب علیه فقر و فلاکت و سرکوب و ستم و تبعیضی که جمهوری اسلامی به جامعه تحمیل کرده است، شهادی بر حضور قدرتمند گرایش چپ در جنبش های اجتماعی علیه جمهوری اسلامی و علیه راست ارتجاعی است.

نیروی راستی که امروز شعار "زن، زندگی، آزادی" را ممنوع کرده است نمی تواند نصف جمعیت ایران یعنی زنان را نمایندگی کند. راست ارتجاعی که از بردن نام کارگر ابا و وحشت دارد نمیتواند ده ها میلیون کارگر و زحمتکش و خانواده هایشان را نمایندگی کند.

ما به کمبودها و موانع بر سر راه خود و طبقه مان واقفیم. طبقه کارگر باید در دل این تحولات و بدون ائتلاف وقت اتحاد سراسری و حزب سیاسی کمونیستی اش را تامین و تضمین کند. صفوف زحمتکشان، روشنفکران، زنان و جوانان باید شبکه های اجتماعی رهبری رادیکال خود را سازمان دهند. تنها یک مثال میتواند خصلت نما باشد و آن شوراییعالی کانون های صنفی معلمان است که مثل کوه در دفاع از آموزش مترقی و پیشرو، مبارزه دانش آموزان و پیوند با خانواده هایشان ایستاده است.

کسانی که از نبود حضور طبقه کارگر به مثابه طبقه در جنبش ها و خیزش های اجتماعی نگرانند، فراموش نکنند که جنبش سرنگونی نظام سلطنت محمد رضا پهلوی بیش از یک سال طول کشید. اما نهایتا کارگران جنوب با بستن شیر های نفت گوی پهلوی را فشرده و خلع سلاح کردند. طبقه کارگر چند ده میلیونی امروز چند ده برابر آن دوره قدرت، کثرت، تجربه و آموزش طبقاتی دارد. طبقه کارگر اشکال و تاکتیک های مبارزاتی خود را در اعتصابات و تجمعات و اعتراضات کارگری در طول همه ی این سال ها داشته و دارد. بعلاوه بخش مهمی از نیروی جنبش سرنگونی و اعتراضات خیابانی و خیزش های اجتماعی همین کارگران و زحمتکشان و فرزندان و خانواده هایشان است. فراموش نمیشود که با اعتصاب کارگران نفت و به تسلیم واداشتن نظام پهلوی، شعار جنبش سرنگونی آن زمان "کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما" بود. طبقه کارگر امروز هم کمی و هم کیفی پتانسیل رهبری جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را دارد. این تحولی تاریخی خواهد بود که نه تنها پروژه رهبر تراشی از بالا را ناکام و پیروزی زحمتکشان ایران را تامین می کند بلکه زمین خاورمیانه را به نفع پایینی های جامعه شخم خواهد زد.



هشت مارس امسال، به نام زنانی که از خاک، آتش ساختند

شهرل رضایی

امسال، هشت مارس را به گل‌های تشریفاتی اختصاص نمی‌دهم. این روز را به مادرانی تقدیم می‌کنم که قلبشان را در خاک دفن کردند اما قامتشان را نه.

به مادران خاوران، زنانی که سال‌ها بر خاک‌های بی‌نام ایستادند و نگذاشتند حقیقت دفن شود.

هر شاخه گل در دست مادران خاوران یک سند بود. هر حضورشان یک مقاومت.

به مادران دادخواه، زنانی که عکس فرزندشان را بر سینه زدند و خیابان را به دادگاه تبدیل کردند.

آنها گفتند: می‌توانید فرزندم را بگیرید، اما صدایم را نه! این مادران، مقاوم‌اند همچون آهن. آهنی که در آتش سوخته

اما سخت‌تر شده است.

خشم دارند اما خشمشان کور نیست. خشمشان، شمشیری است برای بریدن زنجیر سکوت.

اما این داستان، تنها داستان مادران نیست. از دل همین خاک، از دل همین سوگ‌ها، نسلی برخاست

که خیابان را با سه واژه روشن کرد: زن، زندگی، آزادی!.

دخترانی که در فضای خشونت و زن‌ستیزی ایستادند، روسری از سر برداشتند نه فقط پارچه‌ای از مو،

بلکه ترسی از روح.

آتش زدند به نماد تحمیل. آن شعله‌ها، فریاد بودند.

فریاد نسلی که گفت: **بدن من، حق من، انتخاب من.**

آن لحظه‌ها، ادامه‌ی همان ایستادگی مادران بود.

مادران، حافظه‌ی درد شدند. دختران، حرکت آینده.

سوگ به خیابان رسید. اشک به شعار تبدیل شد و سکوت، شکست.

در هر جای جهان که زن بودن با محدودیت تعریف شده است مقاومت از دل زن آغاز می‌شود.

مادری که بر خاک می‌ایستد، و در اوج سوگ می‌رقصد بر مزار فرزند،

می‌چرخد با رویای فرزند در آغوش. نه از سر شادی، بلکه برای آن که مرگ را تحقیر کند.

رقصش نشان از آن دارد که: زندگی را نمی‌توان دفن کرد.

ودختری که دوشادوش برادرانش در آتش خیابان می‌ایستد هر دو یک پیام دارند: کرامت انسانی قابل مصادره نیست.

امسال، هشت مارس را به این پیوند تقدیم می‌کنم: به زنانی که در سوگ رقصیدند. به دخترانی که در آتش ایستادند. و آنانی که از خاک، آهن ساختند

از اشک، صدا

و از ترس، آزادی!.

۸ مارس

به نام شماست: ای مادران داغ‌دیده، اما مقاوم همچون کوه

ای زنانی که زندگی را انتخاب کردید و حتی وقتی جهان مرگ را تحمیل می‌کرد.

اسفند ۱۴۰۴

دوستان! چپ جامعه مرعوب نشده و نمی‌شود. ما در آینده هم تندپیچ‌هایی خواهیم داشت. مراحل مختلفی در جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی خواهیم داشت. من قویا معتقدم که جامعه‌ی پیشرو و آگاه و تجربه‌دیده نخواهد گذاشت رویای پلید بازگشت سلطنت و سناریوی سیاه فرقه‌های پهلوی- رجوی متحقق شود. این اتفاق نباید بیفتد. جامعه‌ی بپاخاسته ایران، نه به پشت سر بلکه به آینده‌ای فکر می‌کند که با دستان خود میسازد. آینده‌ای شاد و خوشبخت و بدون تبعیض و ستم و نابرابری. باور کنید!

کلام آخر، در این دوره بویژه، از ائتلاف و اتحاد و همکاری نیروهای چپ زیاد گفته می‌شود. شکی نیست توافق حداقلی نیروهای ضد جنگ از کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها، آزادیخواهان واقعی، برابری‌طلبان، مخالفان جنگ و دخالت خارجی تا هر نیروی مخالف جریان‌ت راست ارتجاعی خواهان حمله نظامی به ایران و خواستاران دخالت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت خود... در این دوره بویژه بسیار مهم است. امروز می‌بینیم که همگان به این ضرورت پی برده‌اند. باید در این جهت از هیچ تلاشی دریغ نکرد.

اسفند ۱۴۰۴ - فوریه ۲۰۲۶



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: [@radioneena60](https://youtube.com/radioneena60)

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

حزب حکمتیست (خط رسمی)

روز جهانی زن، هشت مارس ۲۰۲۶

برای جهانی آزاد و برابر

فردستی نیمی از جوامع انسانی که تصادفا با جنسیت زن متولد می شوند، زن ستیزی، خشونت و تبعیض علیه آنها و آپارتاید جنسی، در صحنه جهانی که در آن بسر میبریم هولناک است. سیر عقبگرد بشریت گرفتار در چنگال مخرب ترین قدرت های حاکم که هزاران جامعه انسانی را به لبه پرتگاه سقوط به دامان بربریت قرون وسطایی کشانده اند که در آن از جمله زنان را بعنوان ساحره می سوزانند، ترسانک است.

امروز، یک صد و پانزده سال پس از اولین هشت مارس، جنبش برای برابری زن و مرد، برای آزادی و عدالت اجتماعی که قطب نمای روشنی رو به آینده های بهتری را در مقابل داشت و دستاوردهای مهمی کسب کرده بود، در یکی از بحرانی ترین و سیاه ترین مقاطع تاریخ جوامع انسانی بسر می برد. دامنه و ابعاد و سرعت عقب گردهایی که به همه دستاوردهای تاریخ بشری مان، از جمله دستاوردهای برابری طلبانه و آزادیخواهانه جنبش برای رفع ستم بر زن تحمیل شده است، حیرت آور است.

این روزها، از جمله "پیش یا افتاده" ترین رویدادها، تداوم غیر قانونی بودن تحصیل پس از کلاس شش برای دختران در افغانستان است و وضعیت بدی، وخیم و بی حقوقی قرون وسطایی که در افغانستان به زنان تحمیل شده است! از جمله خبرهای "معمولی" حمله و تعرض ترامپیس در آمریکا است به دستاوردهای جنبش های مترقی در دفاع از زنان در آمریکا! از جمله خبرهای "معمولی" کشتار هزاران جوان و از جمله زنان در ایران است که به امید یک دنیای بهتر به جدال یک حکومت زن ستیز برخاستند! از جمله فاجعه های "عادی" شده جهان، هالوکاست غزه است و ماشین همچنان پرکار فاشیسم یهودی اسرائیل و حمایت بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان، آمریکا، در نسل کشی و پاک سازی قومی از فلسطینیان!

آنچه که "روتین" شده است، بالا نگاه داشتن خطر جنگ و تخریب و کشتار وانهدام های بیشتر برقرار سر جهانیان بویژه در خاورمیانه و این روزها بخصوص در ایران است به بهانه "هسته ای"! آنچه که "ترند" است ترس و هراس از گسترش فقر و بیکاری و فرارها و مهاجرت های اجباری و برجسته تر شدن چهره زمخت نژاد پرستی و فاشیسم و پرکار تر شدن ماشین ملیتاریسم آمریکا و به موازات آن همه قدرت های اصلی و غیراصولی جهان است!

بر این بستر تاریک، صحبت از شکاف جنسیتی در محیط کار و خانواده، خشونت علیه زنان، نابرابری، مردسالاری، قتل های "ناموسی" زنان، تحمیل حجاب و جداسازی زن و مرد و شکنجه جسمی و روانی نیمی از جمعیت کره خاکی به جرم "زن بودن" و انواع تبعیضات نهادینه شده نظام های سیاسی، فرهنگی و ایدیولوژیکی موجود در سراسر جهان علیه زنان، ممکن است بنظر حاشیه ای بیاید!

واقعیت این است که بی حقوقی و ستم بر زن، در همین شرایط، نه حاشیه که در بطن و مرکز این شرایط قرار گرفته است. به حاشیه راندن جنبش جهانی زن، و همه جنبش های اجتماعی و ترقیخواهانه در دفاع از دستاوردهای یک قرن گذشته که بسرعت در حال بازپس گیری است، از جمله آزادی عقیده و بیان و حق اعتصاب و حق تشکل و ممنوعیت بیکاری و مسئولیت دولت ها در تامین اجتماعی و طب و بهداشت و مسکن و .. همه و همه، مهمترین ابزار اعمال همان سیاست های تاریکی است که امروز در جریان است و بر صدر اعمال آنها بزرگترین قدرت های نظامی، سیاسی و اقتصادی جهان، نشسته است.

هشت مارس میتواند و باید روز صحبت از همه ابعاد بی حقوقی و ستم بر زن، در جامعه، در قوانین، در خانواده و در محل های کار و زندگی باشد! باید بخصوص در مورد دلایل رسیدن جوامع انسانی به این وضعیت تاریک، صحبت و چاره اندیشی کرد! دلایل رسیدن آن افق روشن یکصدوپانزده سال گذشته، به شرایط تیره و تاریک امروز را به آگاهی جمعی تبدیل کرد! صحبت از آرمناخواهی، برابری زن و مرد، حق کارگر، امنیت شغلی، بیمه بیکاری و حق انسان کارکن و آزادی و برابری، صلح و امنیت را از کالاهایی "لوکس" و "نایاب" برای چیدن پشت "ویرترین تاریخ"، به موضوع روز تبدیل کرد!

باید به همگان یادآور شد که آن افق روشن که بانی و منشا آن وجود جنبش های سوسیالیستی وسیع و گسترده بود، هنوز زنده است و احیا و گسترش آن ممکن!

نه برابری حقوقی قانونی زن و مرد در جوامع غربی، مرحمت دولت ها و جریانات راست بوده است و نه همه دستاوردهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه قرن گذشته! آنچه که تحمیل شرایط تاریک و مخوف امروز را ممکن کرد، به پشت صحنه راندن جنبش های سوسیالیستی بود که برای حق زن، حق کارگر، حق انسان کارکن، رفاه و عدالت اجتماعی، آزادی و برابری می جنگید و در جغرافیاهای مختلف به درجات زیادی بخشی از حقوق ابتدایی انسان در جوامع متمدن را کسب کرده بود.

آنچه که حکومت های طلبان و جمهوری اسلامی و فاشیسم اسرائیل و ترامپیسیم میلناریسم عنان گسیخته مخرب "جوامع بشری تخریب کن"، گرانی و فقر و فلاکت امروز، باطلاق عراق و لیبی و سوریه و دهها و دهها جنگ و تحریم را ممکن کرد، حمله وسیع و جهانی بورژوازی دست راستی به جنبش های سوسیالیستی بود که منشا مهمترین دستاوردهای جوامع متمدن جهان بود.

برگزاری هشت مارس و به میان آوردن همه کیفرخواست های جنبش برای رهایی زنان، بدون پرداختن به شرایط امروز و "جراحی" های آن، همانگونه که صاحبان قدرت میخوانند، "موضوعات" حاشیه ای خواهد شد.

نه در آستانه جنگ دوم، نه در جنگ ویتنام، نه در جنگ خلیج و حمله به عراق، نه در جنبش علیه نژادپرستی علیه سیاهان، نه در جنبش علیه آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، جنبش جهانی زنان در مورد شرایطی که در آن سوخت و ساز میکرد ساکت بود و نه امروز میتواند در مقابل خطر حمله به ایران، سایه خطر جنگ برقرار خاورمیانه و جهان، و نه در مورد فاجعه غزه، بی اعتنا باشد.

هشت مارس امسال جنبش برای رهایی زن، جنبش برای برابری زن و مرد، جنبش برای آزادی و برابری، نمی تواند پرچم مقابله جهانی و کشوری علیه شرایط بحرانی که سراسر جهان را به لبه پرتگاه کشانده است، علیه نا امنی و فضای ملیتاریستی و جنگی، علیه تاثیرات مخرب این شرایط بر جنبشهای اجتماعی و بویژه جنبش برای رهایی زن صحبت نکند و متحد نشود!

این جنبش نمی تواند حمایت خود را از بشریت متمدنی که در همین شرایط در سراسر جهان در دفاع از مردم فلسطین و غزه بیش از دو سال است هرروز در میدان هستند، دریغ کند و با آن متحد نشود! نمی توان در روز جهانی زن با بشریت متمدنی که علیه فقر و فلاکت و حمله به ایران و جنگ، و علیه جنبش های دست راستی و فاشیستی در سراسر جهان در میدان هستند، متحد و همبسته نشد.

در هشت مارس در دفاع از دستاوردهای تاکنونی جنبش برابری طلبانه زنان، که اساسا و تاریحا چپ و سوسیالیستی بوده است، باید گرد آرمانه های سوسیالیستی، متحد و همبسته شد! این تنها راه مقابله با شرایطی است که پیشروی مهندسین آن در هیئت های حاکمه آمریکا و اسرائیل و اروپا و به موازات آن بهره چینی رقیبانشان در ایران و روسیه و چین، به بشریت تحمیل کرده اند. شرایطی که نه تنها دهها و دهها جامعه انسانی، با زن و مرد و کارگر و معلم و کودک و سالمند به زیر مخروبه هایی، که امروز نمونه های آن را در خاورمیانه شاهدیم، دفن خواهد کرد که قادر است جهانی را به بربریت قرون وسطی ببرد که در آن از جمله زنان را بعنوان ساحره می سوزانند.

زنده باد جدال بشریت متمدن برای آزادی و برابری

زنده باد جدال بشریت متمدن برای برابری زن و مرد

زنده باد سوسیالیسم

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۵ اسفند ۱۴۰۴

۲۴ فوریه ۲۰۲۶

در دفاع از سنگر آزادی

علیه تعرض ارتجاع به دانشگاه

همزمان با مراسمهای وسیع به مناسبت چهلین روز جان باختگان دیماه که با فراخوان خانواده های داغدار با شرکت مردم آزادیخواه در شهرهای مختلف انجام گرفت. همزمان با شروع دوباره اعتراضات بازداشتگان در چندین شهر برای پیگیری مطالبات خود و تجمعات خانواده زندانیان با خواست پایان اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و از سرگیری اعتراضات زندانیان به احکام اعدام، شکنجه و زندان، و آغاز موجی از اعتصاب غذا در زندانهای مختلف ایران دانشگاههای ایران شاهد دور جدیدی از جدال آزادیخواهی و ارتجاع بود.

بازگشایی دانشگاهها پس از گذشت چهل روز از کشتار وحشیانه مردم معترض که به امید آزادی و پایان فقر و محرومیت، پایان زندان و اعدام به خیابانها آمدند، با موجی از تجمعات اعتراضی همراه شد. از روز شنبه دوم اسفند ۲۱ فوریه تا امروز، سه شنبه پنجم اسفند، در دانشگاههای مختلف از جمله دانشگاه تهران، صنعتی شریف، علم و صنعت، بهشتی، امیر کبیر، هنر، خواجه نصیر، الزهراء، دانشگاه فردوسی مشهد و... شاهد تجمعات اعتراضی وسیع هستیم. دانشجویان در این اعتراضات ضمن محکوم کردن کشتار مردم توسط جمهوری اسلامی و گرامیداشت یاد جانباختگان دیماه، علیه استبداد حاکم، علیه فضای پادگانی و دستگیری و زندان و اعدام مخالفین سیاسی و علیه جمهوری اسلامی شعار سر دادند. از جمله شعارهای دانشجویان در این تجمعات عبارت بودند از: «مرگ بر دیکتاتور»، «نه به اعدام»، «دانشجو داد بزن، حق تو فریاد بزن»، «نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم»، «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «زن، زندگی آزادی»، «نه سلطنت نه رهبری، آزادی و برابری»، «حکومت زور نمیخواهیم، پلیس مزدور نمیخواهیم»، «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «مرگ بر خامنه ای» و...

تلاش جمهوری اسلامی برای ممانعت از گسترش اعتراضات با گسیل نیروهای بسیج دانشجویی و دست زدن به حمله به تجمعات دانشجویان و سرانجام بسیج گارد ویژه به محوطه دانشگاه، دستگیری دانشجویان و تهدید و ارباب برای سرکوب آن با موج اعتراضات گسترده تر و رادیکالتر روبرو شده و شکست خورد.

در این اعتراضات گروههای راست افراطی و فاشیستهای آریایی، که اخیر و با فعال شدن فضای جنگی و تهدیدهای دولت ترامپ به حمله نظامی به ایران جان گرفته اند، کوشیدند با بلند کردن پرچم شیروخورشید و شعارهایی در دفاع از سلطنت، فضای اعتراضی و انقلابی دانشگاهها را هیاچک کنند که از جانب توده وسیع دانشجویان و با شعارهای «زن، زندگی، آزادی» و «نه سلطنت نه رهبری، آزادی و برابری»، جواب گرفتند. دانشجویان به اشکال مختلف چه در صف اعتراضی و تجمعات و چه با بیانیه های خود، نفرت از هر نوع استبدادی از جمله استبداد سلطنتی و علیه هر نوع مداخله آمریکا در تحولات ایران را اعلام کردند.

این موج جدید اعتراضات اعلام پایان دوره ترس و ناامیدی و شوک بزرگی است که در وقایع دیماه و با کشتار وحشیانه مردم معترض توسط دستگاه آدمکشی رژیم، به جامعه تحمیل شده بود. پایان دوره ای که جمهوری اسلامی زیر سایه فضای تهدیدات آمریکا و خطر جنگ با موشدوانی اسرائیل و هواداران و نیابتی های آنها در اپوزیسیون، کوشید به نام «جنگ با اسرائیل» و «دفاع از ایران»، فضای رعب و ترس و ناامیدی و استیصال را به مردم انقلابی تحمیل کند. پایان دوره ای که همزمان با ارتجاع حاکم، دولتهای آمریکا و اسرائیل و میدیای رسمی و پادوهای جنگ طلب و گوش به فرمان آنان، از جمله جریان نئوپهلوی ها، به نام «ناتوانی» مردم، حمله نظامی آمریکا-اسرائیل را به عنوان «راه رهایی مردم ایران» به جامعه بفروشتند و جنبش انقلابی در میدان را در خدمت اهداف ارتجاعی خود هیاچک و به حاشیه برانند.

امروز جنبش آزادیخواهی مردم در ایران و دانشگاهها، سنگر آزادی، مورد هجوم نیروهای ارتجاعی، از جمهوری اسلامی تا نیروهای فاشیستی چون پهلوی، مجاهد و فاشیستهای قومی قرار گرفته است. دفاع از این جنبش در دانشگاه، در مراکز کار، در زندانها و ... امروز بخشی از جدال مردم آزادیخواه در ایران برای آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی، برای یک زندگی بهتر و انسانی و امن است. سد بستن در مقابل نیروهایی که با تحمیل استیصال

و بی افقی و تبدیل ایران به صحنه کشمکش خود برای تحمیل یکدور دیگر از تباهی و سیاهی به جامعه، امروز بخش جدایی ناپذیر و حیاتی جنبش آزادیخواهانه مردم برای آزادی است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به همه کسانی که به اشکال مختلف علیه زندان و اعدام و استبداد، علیه فقر و بی حقوقی و علیه جنگ و میلیتاریسم ایستاده اند، درود میفرستد. ما برای رهایی و پایان این روزهای سیاه، برای مقابله با ارتجاع حاکم و برای ایستادن علیه جنگ و مخاطرات آن، راهی جز اتحاد صفوف مردم آزادیخواه، جز متکی شدن به نیروی عظیم خود از مراکز مهم کارگری و صنعتی تا محلات و دانشگاه نداریم. امروز دفاع از زندگی، دفاع از حرمت و کرامت انسانی ما در گرو اتحاد وسیع و همه جانبه ما علیه بورژوازی ایران و حکومت آن و همزمان علیه جنگ طلبی آمریکا و اسرائیل و پادوهای آنها در اپوزیسیون است. این شرایط خطیر و حساس از رهبران و فعالین کمونیست، از آزادیخواهان و شخصیتهای معتبر و هوشیار و مخالف جنایت و کشتار و بمباران و تحریم اقتصادی در جامعه میطلبد که هوشیارانه صف جنبش انقلابی را هدایت کنند و جامعه را از این دوره خطیر و پر مخاطره عبور دهند.

زنده با آزادی و برابری

نه به جنگ و دخالتگری امپریالیستی

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۵ اسفند ۱۴۰۴ - ۲۴ فوریه ۲۰۲۶

سایت های آثار رفیق اعظم کم گویان آغاز به کار کرد.

آرشیو آثار سیاسی و تلاشهای نظری رفیق اعظم کم گویان در دو سایت "بیاد اعظم کم گویان" و سایت "بی خدایان" توسط رفیق کورش مدرسی تهیه و راه اندازی شده اند.

قطعا نقدهای تیز و عمیق اعظم به جهان امروز میتواند ابزاری در دست علاقمندان کمونیسم، مدافعین آزادی و رهایی زن، فعالین رهایی طبقه کارگر در جدالهای سیاسی باشد.

آدرس سایتها:

بیاد اعظم کم گویان:

<https://azam-kamguyan.koorosh-modaresi.com/>

بی خدایان:

<https://bikhodavan.koorosh-modaresi.com/>

حزب حکمتیست (خط رسمی)

کردستان از فاشیسم اسلامی تا فاشیسم نئوپهلویسم

موضع گیری اخیر رضا پهلوی به بهانه نشست مشترک چند سازمان در کردستان ایران، شاخ و شانه کشیدن ها بر سر "خطر جدایی طلبان" و "تجزیه ایران"، وعده اینکه ارتش برای انجام "وظیفه ملی-میهنی" علیه تجزیه طلبان "مردم کردستان" لشکر کشی خواهد کرد، نه جدید است و نه غیرقابل پیش بینی بود.

همه خاصیت پرچ "تمامیت ارضی" و "خط قرمز های" او نه علیه جمهوری اسلامی، که در ابتدای به قدرت رسیدن با همین پرچم به کردستان لشکر کشی کرد، و برای و به منظور حفظ ایران و "وطن" که دروغین ترین و ریاکارانه ترین شعار برای دامن زدن به تفرقه و ایجاد کینه و نفرت قومی و ملی و مذهبی در ایران و کمک به فروپاشی ایران و جنگ داخلی در ایران است، کمپینی شناخته شده است.

از توهامات مالیخولیایی این "منتظر السلطنه" و نئوپهلویست فاشیست که بیصبرانه منتظر حمله ترامپ به ایران و ایجاد سناریوی سیاه فروپاشی و دامن زدن به جنگ داخلی با همین پرچم پوسیده و ارتجاعی است، بگذریم. سابقه تعرض به حقوق مردم کردستان و ستم و تبعیض ملیتی همچنان ستم جنسیتی، کارنامه ای صد ساله در حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی دارد.

مردم کردستان از همان روزهای اول اعلام جمهوری اسلامی، با شناخت درست از ماهیت فاشیستی- اسلامی حکومت خمینی زیر پرچم او نرفتند و تا امروز مشروعت این نظام فاشیستی اسلامی را برسمیت نشناخته اند. کردستان سنگر تداوم انقلاب تا رسیدن به آزادی و برابری بوده و هست و بیش از چهار دهه مبارزه مبارزه سیاسی و اجتماعی توده ای را در کارنامه خود دارد.

مردم کردستان پاسخ این لشکر کشی هاتوسط سپاه و ارتش جمهوری اسلامی را داد و آنها را نه تنها عقب زد که از کرده خود پشیمان کردند. یقین داشته باشید که همین سرنوشت فاشیست به قدرت نرسیده و ارتش خیالی نئوپهلویست به رهبری رضا پهلوی خواهد بود.

رضا پهلوی "شکر زیادی میل کرده اند" که بخواهند مردم سراسر ایران را که در جنبش زن زندگی آزادی همه علیه رژیم با پرچم چپو آزادیخواهانه ای که از کردستان و جنبش کارگری برافراشته شد، تحریک کنند. غلط میکنند با دامن زدن به تفرقه ملی و قومی مردم را به به جان هم بیندازند و فرمان حمله اوباش چاقوکش و "گارد جاویدان" شان را برای گسیل به کردستان صادر کنند. حکماز پا در نیاوردن چکمه ها را بدهند تا به سیاق اجدادشان و به سیاق جمهوری اسلامی جنبش برای آزادی و برابری، که از تهران تا کردستان و خوزستان و آذربایجان متحد، همبسته و زنده است، را با لشکر کشی به کردستان سرکوب کند.

تهدید مردم کردستان با اتهام "تجزیه طلبی"، ادامه سیاست تهدید آزادیخواهان و سرنگونی طلبان در داخل و خارج کشور و تشکیل گروه های تبهکار "شیرو خورشید" در جنبش دانشجویی... ایجاد تفرقه در صفوف مردم و جنبش سرنگونی و خدمت به جنگ داخلی و به تباهی کشیدن زندگی مردم است.

مردم کردستان و سراسر ایران و در خارج کشور به ماهیت فاشیستی، ضدمردمی و ضد انقلابی این فرقه پی برده و آن را منزوی و طرد خواهند کرد.

طبقه کارگرو همه آزادیخواهان و برابری طلبان و در راس آنان کمونیستها علیه این باند تبهکار و توطئه های آن علیه جنبش آزادیخواهانه خود می ایستند و این باند فاشیست را در صحنه سیاسی ایران منزوی و طرد خواهند کرد.

دست فاشیستها از ایران کوتاه

حزب حکمتیست (خطر رسمی)

۷ اسفند ۱۴۰۴ - ۲۶ فوریه ۲۰۲۶

این تصویر که ایران یک ائتلاف شکننده از اقوام و ملل است که گویا منتظرند دولت مرکزی ضعیف بشود تا هر کدام ساز خود را بزنند و "دولت خود" را بخواهند تصویری واقعی نیست. اما در صورت به هم ریختن شیرازه مدنی جامعه و معلق شدن زندگی اقتصادی متعارف، آنگاه این که عده ای از سر استیصال راه نجات خود را در هویت ملی و ناسیونالیسم و سوا کردن خرچشان جستجو کنند غیر ممکن نخواهد بود. قالب ملی و قومی در درجه اول میتواند بعنوان عکس العملی به جریانات شوونیستی و فاشیستی برجسته بشود. عظمت طلبها و آریایی پرستهای متعصب، کسانی که تقدس "تمامیت ارضی" ورد زبانشان است، میتوانند این مسأله را به مردم تحمیل کنند. اگر بنا باشد با هر تکانی که رنگی از قومیت و ملیت به خود بگیرد یکی در تهران هیاهو راه بیاندازد و ژست بگیرد که "چکمه هایم را از پایم در نمیآورم" و اسم هر حرکتی را "غائله" بگذارد و بخواهد قشون کشی بکند، آنوقت آنطرف هم، بخصوص در این دوره و زمانه رشادت بورژواهای کوچک، آدم مشابه برای تضمین تبدیل شدن کشور به صحنه جنگ اقوام و قبایل کم نیست. منزوی کردن ملی گرایی و قومی گری در چنان شرایطی فقط از عهده جریانی ساخته است که آزادیهای سیاسی و حقوق مدنی مردم را به جامع ترین شکل به رسمیت میشناسد، و لذا میتواند مطالبات و کش و قوسهای ملی را به یک مجرای سیاسی کانالیزه کند. نه کسانی که خود نماینده قوم پرستی و شوونیسم بخشهای دیگر جامعه اند. خلاصه کلام، کشمکشهای احتمالی بعدی در ایران میتواند در ادامه خود رنگ قومی هم بگیرد. اما این بستگی دارد به اینکه چقدر نیروهای مثل ما اجازه بدهند که جریانات فاشیست، عظمت طلب، آریایی پرست و غیره در این پروسه میدان دار بشوند. تبلیغات وسیع و فعالیت دائمی ما علیه ناسیونالیسم و عظمت طلبی ایرانی و قوم پرستی و ملی گرایی تا همینجا با محدود کردن دامنه شلنگ تخته های این جریانات و با ایجاد حساسیت در میان چپ نسبت به ناسیونالیسم کمک زیادی به آینده کشور و سد کردن دورنمایی از نوع یوگسلاوی کرده است. این فعالیت باید همچنان با جدیت ادامه پیدا کند.

منصور حکمت



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سر دبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سر دبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

برنامه های تشکیلات خارج کشور حزب به مناسبت روز جهانی زن در شهرهای گوتنبورگ و تورنتو

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

International Women's Day

زنده باد ۸ مارس



arrangör: 8e marskommittén Göteborg

گوتنبورگ:

یکشنبه ۸ مارس ۲۰۲۶

روز جهانی زن

تجمع:

در میدان گوستاو آدولف

ساعت: ۱۵:۰۰

زنده باد روز جهانی زن

سه حزب کارگری در کانادا به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن برگزار میکنند

میز کرد در مورد مبارزات زنان در ایران، عراق و کردستان عراق

- ☐ احمد مطلق، حزب حکمتیست (خط رسمی) / کانادا
- ☐ عادل احمد، حزب کمونیست کارگری عراق / کانادا
- ☐ سردار عبدالله، حزب کمونیست کارگری کردستان / کانادا
- ☐ زاردا، انترناسیونالیست های کمونیست انقلابی



همراه با آهنگ های انقلابی و دی جی

مکان: 263 Pharmacy Ave, Toronto

تاریخ: ۸ مارس ۲۰۲۶ ساعت ۵ بعدازظهر تا ۱۱

